

دکتر بیل مونس، موعظه بالای کوه، درس هفتم، متی ۵:۲۷ به بعد، اعمال نیک بزرگتر، بخش دوم

بیل مونس و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر بیل مونس است در حال تدریس در مورد موعظه بالای کوه. این جلسه هفتم، متی ۵:۲۷، و پس از آن، اعمال عدالت بیشتر، بخش ۲ است.

بسیار خوب، ما امروز بعد از ظهر فصل پنجم را تمام می‌کنیم.

به هر طریقی، ما این بحث را تمام خواهیم کرد، چون مجبوریم. و بنابراین، به چهار نمونه باقی‌مانده از عدالت مفرد و اطاعت عمیق خواهیم پرداخت. و مورد دوم، کل مسئله شهوت و زنا است، آیات ۲۷ تا ۳۰.

حالا، چیزی که من هرگز نمی‌توانم پیش‌بینی کنم این است که بحث در مورد طلاق چقدر طول خواهد کشید. بنابراین، بیا ببینیم شما چه کاری می‌خواهید انجام دهید. اما به هر حال، ما وارد بحث خواهیم شد.

از آیه ۲۷ به بعد، شنیده‌اید که گفته شده زنا مکن. اما من به شما می‌گویم هر که با شهوت به زنی نگاه کند همان دم در دل خود با او زنا کرده است. اگر چشم راستت تو را می‌لغزاند، آن را از حدقه بیرون بیاور و دور بینداز.

بهتر است عضوی از بدنت را از دست بدهی تا اینکه تمام بدنت به جهنم بیفتد. و اگر دست راستت باعث لغزش تو می‌شود، آن را قطع کن و دور بینداز. بهتر است عضوی از بدنت را از دست بدهی تا اینکه تمام بدنت به جهنم بیفتد.

بسیار خوب. همانطور که در مورد کاری که فریسیان در طول این متن انجام می‌دهند صادق است، آنها یک فرمان را گرفته بودند و آن را محدود کرده بودند، همانطور که قبلاً و قبل از نهار گفتیم، آن را به یک عمل بیرونی محدود کردند. حال، با انجام این کار، آنها فرمان دهم را نادیده گرفته بودند که طمع به زن همسایه خود نداشته باشید.

اما آنها قتل را در نظر گرفته بودند و می‌گفتند که این فقط در مورد عمل بیرونی صدق می‌کند. همانطور که در این متن از عیسی دیده می‌شود، او در مورد گسترش احکام به جایی است که قرار بود باشند. همانطور که نفرت ممکن است به قتل منجر شود و حکم را نقض کند، شهوت نیز ممکن است به زنا منجر شود و همچنین حکم را نقض کند.

در این مورد بی‌نهایت بهتر است. اما به شما می‌گویم که هر کسی که با نیت شهوانی به زنی نگاه ESV ترجمه گرفته شده است، دستور سکوت داریم، اما NIV کند، و اگرچه ما در مورد تصمیماتی که از سال ۲۰۱۱ در بعدی ترجمه بهتری خواهد بود. من می‌خواهم شما جای خالی را پر کنید NIV با شما شرط می‌بندم که

یونانی صریحاً با نیت شهوت نگاه می‌کند. و البته تمایز مهم اینجا این است که وسوسه گناه نیست. این چیزها از سر ما می‌گذرند، درست است؟ من قبلاً می‌گفتم آقایان، اما من از گروه‌های حمایتی برای زنانی که در بند شهوت هستند و نمی‌توانند راه خود را بیرون بکشند، آگاه هستم.

بنابراین، این موضوع به همان اندازه که یک مشکل مردانه است، به یک مشکل زنانه نیز تبدیل می‌شود. وسوسه گناه نیست. مردم ما باید این را بشنوند.

افکار گذرا، چالش‌ها و وسوسه‌ها گناه نیستند. این نگاه اول نیست، بلکه نگاه دوم است. این نگاه گذرا نیست، بلکه خیره شدن است.

این فکر گذرا نیست که وسوسه را به گناه شهوت تبدیل می‌کند، بلکه خاطره‌ای گرامی است که مرا ناامید می‌کند که زبان یونانی به طرز شگفت‌انگیزی واضح است. این من نیستم که در مرکز خرید قدم می‌زنم و ویکتوریا سیکرت می‌بینم.

همسرم واقعاً در این موارد به من کمک می‌کند، چون من نمی‌دانم این فروشگاه‌ها کجا هستند. ناگهان احساس می‌کنم که او مرا به سمت دیگری می‌کشد و می‌گویم: «اوه، اینجا چیزی هست که نمی‌خواهم به آن نگاه کنم.»

و، خب، ما این چیز کوچولو رو داریم که اون کمک می‌کنه. اما حتی اگه بری، اوه، خدای من، می‌دونی تصویرش هنوز تو حافظه‌ات حک شده، درسته؟ و من اینو نمی‌خوام. اما این خود شخصه که ویکتوریا سیکرت رو می‌بینی و می‌ره، هوم.

او با نیت شهوت‌آلود نگاه می‌کرد. این همان نیت خیره شدن به اوست، یعنی شهوت‌ورزی، درآوردن لباس‌هایش، رفتار با او به عنوان یک شیء و نه به عنوان چیزی که به همان اندازه به تصویر خدا آفریده شده است. این همان شهوتی است که عیسی از آن صحبت می‌کند.

و باز هم، من از این موضوع بی‌خبر بودم تا اینکه در موردش موعظه کردم. و چند نفر پیش من آمدند و گفتند، می‌دانی، تو اشتباه فهمیده‌ای. اینجا افرادی هستند که به آنها آموخته شده که شهوت و زنا یک چیز هستند.

بنابراین، اگر به دخترتان شهوت رانده‌اید، بهتر است با او بخوابید زیرا هیچ تفاوتی وجود ندارد. و این توضیح باید در تمام موعظه‌های ما واضح باشد. اینکه عیسی می‌گوید شهوت، احساسی را که منجر به عمل می‌شود، نقض می‌کند، خود نقض فرمان است.

اما آنها یکی نیستند. مطمئنم رابین ترجیح می‌دهد من شهوترانی کنم تا اینکه مرتکب زنا شوم. کاملاً مطمئنم.

اونا یکی نیستن. من قطعاً ترجیح میدم ازم متنفر باشی تا اینکه منو بکشی. اونا یکی نیستن.

دیروز، تقریباً هر چیزی را که می‌خواهید موعظه کنید، تمرین کردیم، اما من نمی‌دانم چطور آن را موعظه کنم. این چیزی است که گفتم. قرار نیست چیزهای دیگر را موعظه کنم.

و این به نظر من مثل چیزهای دیگری است که نمی‌توان مطرح کرد. اما در مورد ارزش‌های ایمانی، حتی در طبق گفته‌ها، او قبلاً مرتکب زنا شده است. او قبلاً مرتکب زنا شده است، اما انجام این کار برایش، GSD، سخت بوده است.

او مرتکب زنا شده است. این چیزی است که در متن آمده، یعنی پابندی به ارزش‌های ایمانی. همیشه در مورد را در انگلیسی رایج نشنیده‌ام loins این نقض فرمان صحبت کنید؟ من مدت‌هاست که کلمه

باید به لحظه ازش بگذرم. نه، نه، نه. خیلی خوب تونستم اینو بگم.

این واقعاً، واقعاً روش خوبی برای گفتن این حرف است، و من می‌دانم که کمر چیست. من هم می‌دانم که چگونه آنها را محکم کنم. تعریف کلمه زنا تا جایی که زنا یک عمل ذهنی و همچنین یک عمل فیزیکی باشد، بسیار غیرمعمول خواهد بود.

منظورم این است که شما باید کلمه زنا را دوباره تعریف کنید، و شاید این کاری است که عیسی انجام می‌دهد. من فکر می‌کنم در تمام این پنج یا شش مورد، نکته اصلی این است که عیسی معنای نقض فرمان را دوباره تعریف می‌کند، و این از قلب شروع می‌شود. اما در همه آنها، قلبی که نقض می‌کند با عمل فیزیکی متفاوت است.

بنابراین، این سوال مطرح است که آیا ما کلمات را به همان معنای ظاهری‌شان بپذیریم، یا اینکه... هی، این چیزی است که نوشته شده. پس، ما باید زنا را به عنوان شامل شهوت تعریف کنیم. نمی‌دانم.

یه چیزی تو سرم نمی‌چرخه. باید در موردش فکر کنم. من با این موافقم، و وقتی در مورد پاراگراف بعدی صحبت کنیم، در موردش صحبت می‌کنم چون فکر می‌کنم اعتیاد به پورنوگرافی ناقض فرمان الهی و پیمان ازدواجه.

بنابراین، من هیچ مشکلی در استدلال در مورد این موضع ندارم، بنابراین با شما در این مورد موافقم. خوب منظورم این است که آیا ترجیح می‌دهید پسران به دوست دخترش شهوترانی کند یا با او رابطه جنسی داشته باشد؟ اما چیزی که شما می‌گویید این است که در انگلیسی، دو کلمه متفاوت برای توصیف دو چیز متفاوت وجود دارد، و سوال این است که آیا عیسی گفته است که آنها دقیقاً یکسان هستند؟ در غیر این صورت، همه همسران ما می‌توانند از ما طلاق بگیرند. درست است.

آره. فرقی اینه که اون این کار رو کرد. این نشون میده که توی دلش این کار رو کرده.

یه تفاوتی وجود داره، اما هر دو اشتباه می‌کنن. آره، من حاضر نیستم به اون مرحله برسم، اما حتماً می‌رسم. بذار یه کم فکر کنم.

بگذارید کمی در موردش فکر کنم، چون خشم و قتل یکی نیستند. عیسی نمی‌تواند چنین چیزی گفته باشد. هر دو چیزهای وحشتناکی هستند.

هر دوی آنها احکام را نقض می‌کنند، اما اساساً چیزهای متفاوتی هستند. در هر دو مورد، به آن فکر کنید اگر در مورد آن فکر کنید، می‌توانید این کار را انجام دهید، اما گاهی اوقات، بسیاری از مردم به قتل فکر می‌کنند و برخی دیگر نه.

بنابراین، من فکر می‌کنم که این اقدام باید با این ذهنیت شروع شود که شما مراقب نیستید. خوب، و قطعاً هم خواهد بود. منظورم این است که هیچ‌کس کسی را که در سطحی از او متنفر نباشد، نمی‌کشد.

بله، فکر می‌کنم نکته این است که، و همه ما با این موافقیم، هم شهوت و هم زنا گناه هستند، و هم شهوت و هم زنا فرمان «زنا نکن» را نقض می‌کنند. سوال این است که آیا باید یک قدم جلوتر برویم؟ و شما می‌گویید بله. مطمئن نیستم که این دو یکی باشند.

شاید من اینطور می‌گویم. خب، عیسی می‌گوید که احکام فقط با عمل نقض نمی‌شوند. احکام با نگرش قلبی که منجر به عمل می‌شود، نقض می‌شوند.

این با این که بگوییم نگرش قلبی و عمل یکی هستند فرق دارد. من ترجیح می‌دهم او مرگ را بیشتر از همسر دوست داشته باشد تا اینکه واقعاً مرتکب زنا شود. بله، و پاسخ او این است که آیا این همان چیزی است که عیسی می‌گوید؟ این نکته‌ی خنده‌داری است.

با تمام احترام، منظورم از این حرف بدجنسانه نیست، برایم مهم نیست که هیچ‌کدام از شما چه می‌خواهید برایم مهم نیست که هیچ‌کدام از شما چه چیزی پرتاب می‌کنید. واقعاً علاقه‌مندم بدانم عیسی واقعاً اینجا چه می‌گوید.

قرار است همه چیز را از قبل تعریف کنید چون آنها فقط دارند از دهان به دهان می‌خوانند. خب، مطمئن نیستم که همه چیز را با این مقدمه تعریف کرده باشم چون ما در مورد اینکه چطور قرار است زبان را بفهمید صحبت کردیم چون زبان خیلی قوی است. قرار نیست چشم‌ها را در بیاوریم و دست‌ها را قطع کنیم، بنابراین باید بگذاریم نیروی کلام عیسی با تمام قدرت به ما برخورد کند، اما نمی‌توانیم در کلمه‌ای که من استفاده کردم باشیم؛ کلمه خوبی نیست، اما در آن ساده‌لوح باشیم.

فکر جالبیه، و فقط باید همه‌شون رو موشکافی کنم. شما در مورد فریسی‌ها و عصبانیت‌هاشون صحبت کردید. یه اصطلاحی هست که یه بار شنیدم به اسم فریسی کبود و زخمی.

چی؟ فریسی کبود یا خونریزی‌دار. فریسی کبود یا خونریزی‌دار. برای اینکه نشان دهند که سعی در انجام این کار ندارند، یک زن آزاد را می‌بینند، و چشمانشان را می‌بندند و او را زیر دیوار می‌بوسند.

برای اینکه نشون بدم چطور اینطور نبودن، مثلاً، مثلاً، اوه، من ممکنه تو خشکی باشم. به من نگاه کن، و من قرار نیست به همه‌شون نگاه کنم. گفتم، مجبورم.

نه، من هرگز این عبارت را نشنیده‌ام. نه. اما اگر با کسی صحبت می‌کنید که به دیوارها چسبیده است، شما هم مثل فریسی‌ها زیر دیوار گیر افتاده‌اید.

او می‌گوید، ببینید، طبق معیارهای خودتان، طبق روح حقیقی شریعت، هیچ تفاوتی بین عمل زنا و فکر زنا وجود ندارد. این بدان معنا نیست که این موضوع به کلیسای امروز هم سرایت کند. او در مورد گروهی از مردم صحبت می‌کند که فکر می‌کردند تا زمانی که واقعاً مرتکب زنا نشوند، به زیبایی از قانون اطاعت می‌کنند.

و او می‌گوید، طبق قانون خودتان، طبق روح این قانون، شما در واقع به خاطر شرایطتان گناهکار هستید. شما هیچ فریسی در کلیسای خود ندارید؟ آیا شما تنها کلیسای روی زمین هستید؟ منظورم این است که واقعاً نمی‌خواهم آن را به گذشته نسبت دهم. اما اگر آنها را به این دلیل محکوم کنید، و او آن را به بحث زنای ذهنی و غیره بکشاند، پس او آنها را از فرار از مجازات منع نمی‌کند.

او نمی‌گوید، هی، برای مسیحیان امروز، اگر در ذهنتان مرتکب زنا می‌شوید، بهتر است که این کار را انجام دهید. من فکر نمی‌کنم آنچه او می‌گوید واقعاً به آن معنا کاربردی داشته باشد، به دلیل آنچه که او سعی در انجام آن دارد. او علیه فریسیان استدلال می‌کند زیرا آنها فکر می‌کردند همه چیز خوب است

، آنها داشتند چپ و راست مردم را طلاق می‌دادند، برایشان مهم نبود. و او می‌گوید، نه، طبق قانون خودتان، این یک آیه‌ی بزرگ است که شما می‌خواهید از روح قانون پیروی کنید. اما ما تابع قانون نیستیم

بنابراین همان کد و همان استاندارد، آموزنده، تطبیقی و مفید برای آموزش و پیشنهاد انواع این چیزها به کلیسا است. اما فکر نمی‌کنم در کلیسای امروز، شما باید زنا‌ی ذهنی را با زنا‌ی جسمی برابر بدانید. عیسی چه گفت؟ شما می‌پرسید، عیسی چه گفت؟ او با فریسیان صحبت می‌کند

اما بله، او دارد با فریسیان صحبت می‌کند. پارسایی شما باید از پارسایی روح‌القدس فراتر رود. نه، این در مورد فریسیان نیست.

اما وقتی این را می‌گوید، فکر می‌کنم دارد علیه فریسیان بحث می‌کند. منظورم این است که کمی به نظرم سطحی آمد. اما تمام حرف‌هایش با هدف شکست دادن فریسیان و نشان دادن آنها به عنوان قانون‌شکنانی است که واقعاً هستند

همه چیز در کل این خطبه، در مورد همین است. خوب، برای اینکه بگوییم، خوب، عیسی چه می‌گوید؟ او به فریسیان می‌گوید که آنها دروغگو هستند، آنها ریاکار هستند، آنها همان قانونی را که ادعا می‌کنند به کلیسا وفادار و صادق هستند، نقض کرده‌اند. اما حالا، آیا ما باید همان انتقاد از هنجار و معیار را در هر مراسم کلیسای امروز بگوییم؟ و بنابراین، شما می‌گویید، عیسی امروز به ما چه می‌گوید؟ آیا این کاملاً قابل اجرا است؟ این برابری زنا با ذهن و برابری زنا‌ی واقعی؟ نه، طبق قانون، همینطور است، اما ما تحت قانون نیستیم.

و بعد شروع می‌کنیم به صحبت در مورد عقل سلیم. عقل سلیم به شما می‌گوید که خیانت خانوادگی فیزیکی نیست. بله، هست.

به یک فریسی که خود را در معرض قانون قرار می‌دهد، این را بگو. نه به کسی که امروز است، نه به یک مسیحی. اگر من مرتکب زنا‌ی ذهنی شده‌ام، با بیرون رفتن و انجام آن آن را تشدید نمی‌کنم، زیرا در آن صورت به آن دچار می‌شدم.

سپس، ما آن را ترکیب می‌کنیم. بنابراین، شما می‌گویید، عیسی به ما چه می‌گوید؟ عیسی چه می‌گوید؟ و او با چه کسی صحبت می‌کند؟ او با من صحبت می‌کند. آیا او با شما صحبت می‌کند؟ من شک دارم.

فکر نمی‌کنم اینطور بوده باشد. او با شاگردانش صحبت می‌کند. اما او با شما صحبت نمی‌کرد و معیار و استاندارد برای امروز شما تعیین نمی‌کرد، به این معنا که شما مرتکب گناهی چنان بزرگ شده‌اید که مستوجب عذاب جهنم می‌شوید.

آیا بخشی از این موعظه بالای کوه در مورد شما صدق می‌کند؟ بعد از آن صدق می‌کند. بعد از آن ابتدا در مورد فریسیان و کاتبان صدق می‌کند زیرا در ابتدا بحثی علیه آنهاست. بنابراین، به نظر من، باید در مورد نحوه‌ی استفاده از هشدار و موارد مشابه مراقب باشید.

به عنوان یک مسیحی امروزی که تحت قانون نیست. خب، باید بریم سراغ بحث بعدی. من از تمایز شما بر سر قانون ناراحتم.

عیسی درک خود را از معنای واقعی شریعت ارائه می‌دهد. و راه‌هایی وجود دارد که ما تحت شریعت نیستیم. شریعت نگهبان ما بود و ما را به مسیح می‌رساند.

اما از جهات دیگر، ذره‌ای تا مرگ ما نمانده است. همه چیز در مسیح تحقق یافته است. بنابراین، من نگران خواهم بود که بگویم چیزی در آن زمان کاربرد داشته اما اکنون کاربرد ندارد.

اما کلیساهای ما پر از فریسیان است. کلیسای من آنقدر جمعیت داشت که فریسیان می‌گفتند، هی برادر. و من فکر می‌کنم همه کلیساهای ما پر از این افراد است.

و بنابراین، منظورم این است که اگر بتوانم حرف شما را اصلاح کنم، اگر می‌خواهید منظور اصلی نویسنده را بفهمید، باید آن را در قرن اول ببینید. و حداقل شما این را می‌گویید. اما من نمی‌خواهم هیچ بخشی از آن را به قرن اول نسبت دهم.

به همین دلیل است که وقتی شروع کردم، گفتم که این موضوع در مورد همه شاگردان در همه زمان‌ها صدق می‌کند. زیرا امروزه مسیحیانی وجود دارند که معنویت را صرفاً بر اساس عمل بیرونی تعریف می‌کنند. اگر کسی بود که من با او رابطه داشتم، این موضوع در زندگی او بود، و مانند او یک پیر کلیسا بود، قطعاً.

من از نظر انضباطی صحبت نمی‌کنم. به نظرم شما دارید خودتان را به خطر می‌اندازید. شما دارید اعتبار این کلیسا را به خطر می‌اندازید.

داری رهبریت رو به خطر میندازی. آگه من یه برادر معتاد به پورنوگرافی داشتم، معلومه که مشکل داری.

از آنجا که این کار ناقض فرمان است، به طرز چشمگیری برای کلیسا مخرب است. و اساساً واقعیت خلقت را انکار می‌کند، اینکه زنان شیء نیستند.

دیروز، دو بار از من نقل قول شد. نمی‌دانم درست است یا نه. شما نگفتید که کلمه را بردارید، خدا را از کتاب مقدس حذف کنید.

گفتی، بگذار کلمه خودش بگوید چه هست. بگذار چه؟ بگذار کلمه خودش بگوید چه هست. بگذار کلمات خودشان بگویند منظورشان چیست.

اما همه دو دست دارند؟ اما این بحث خیلی خوبی است، چون مشکل موعظه همین است. همه ما دو دست داریم. همه ما دو چشم داریم.

چرا؟ خب، چون ما می‌دانیم که می‌خواهیم کلمات قدرت خودشان را داشته باشند، باید در فهمیدن منظور عیسی دقت کنیم. اما بگذارید در مورد حرف شما فکر کنم، چون من هم همین کار را می‌کردم. داشتم به نمونه‌های دیگر پرهیزگاری افراطی نگاه می‌کردم، و مورد اول و دوم تقریباً مشابه هستند.

سه تای دیگر اینطور نیستند. آنها کاملاً یکسان نیستند. و بنابراین، شما واقعاً مجموعه‌ای از چهار موازی دیگر ندارید که همان نکته را بیان کنند.

شما یک موازی دیگر هم دارید که همین نکته را بیان می‌کند. حالا، اگر هر چهار نفر دقیقاً به یک نکته اشاره می‌کردند، آن وقت می‌گفتم نه، من نمی‌توانم جایی که شما می‌روید بروم. اما شما این دو را دارید، و آنها کاملاً و مطلقاً موازی نیستند.

به همین دلیل است که من اینجا نشسته‌ام و در مورد تقدم زمینه فکر می‌کنم، و فقط باید کمی وقت بگذارم و به آن نگاه کنم. خب، اینجاست که من واقعاً از اطاعت عمیق استات خوشم می‌آید، اینکه روشی که شما از پارسایی فراتر می‌روید این است که عمیق‌تر از عمل بیرونی عمل می‌کنید. شما به قلب می‌روید.

بنابراین، این به معنای درست‌کارتر بودن است. اگر بخواهم دقیقاً بگویم، در واقع درست‌کار است زیرا رعایت اصول مذهبی در هیچ سطحی درست‌کاری نیست. و بنابراین، درست‌کاری‌ای که ما را وارد این قلمرو می‌کند و نحوه زندگی ما را در آن تعریف می‌کند، درست‌کاری‌ای است که از قلب شروع می‌شود.

حداقل باید بپذیریم که عیسی به شاگردانش می‌آموزد که مطابق نظر فریسیان عمل کنند. کاملاً، کاملاً. شما این را شنیده‌اید، اما من این را گفتم، در مورد شما، چیزی که او به آن اشاره می‌کند چیزی نیست که کتاب مقدس می‌گوید. این چیزی است که فریسیان تفسیر می‌کنند.

و او دارد آن را خنثی می‌کند. بنابراین، همانطور که شنیده‌اید، همسایه‌ات را دوست بدار و از دشمنانت متنفر باش. کتاب مقدس هرگز نمی‌گوید از دشمنانت متنفر باش.

می‌گوید دشمنان خود را دوست بدارید. و بنابراین، منظورم این است که واضح است که او علیه تفسیر نادرست فریسیان کار می‌کند و سعی دارد بگوید، این چیزی است که قانون واقعاً می‌گوید. در واقع، اراده خدا این است.

بله، باید گفت که نیت اصلی همین بوده است. و بنابراین، اگر این درست باشد، پس بهتر است آن چشم را از حدقه بیرون بیاورید و دور بیندازید تا بتوانید دستتان را قطع کنید، زیرا طبق معیارهای خودتان به جهنم می‌روید. ما با این معیارها زندگی نمی‌کنیم.

به ما اطلاع داده شده که بله، آن پسر زناکار است، او فاحشه است. اما در واقع، او یک فریسی است. خیلی خوب است، اما اینطور نیست. منظورم این است که من نمی‌توانستم این را از نحوه‌ی گفتن کالوین بفهمم. که خب، این یک بحث دیرستانی است.

اینجاست که شما آن بحث را می‌شنوید، دانش‌آموزان دیرستانی. و آنها در آن زمان فقط حدود یک سوم مغزشان رشد کرده است، بنابراین. بله، و این نکته‌ای است که من سعی دارم مطرح کنم.

ما آن را به شکل متفاوتی بیان می‌کردیم. با این حال، نکته این است که شباهت این است که هر دو فرمان را نقض می‌کنند. این بدان معنا نیست که آنها برابرند، بنابراین.

خیلی خب، یه چیزی هست که باید در موردش فکر کنم. ممنونم. ممنونم، مارک.

گناه را جدی بگیرید. باید کاری در مورد آن انجام دهید. چشم را کندن، دست را بریدن.

و تفاسیر دوست دارند به این نکته اشاره کنند که چشم و دست نه تنها ارزشمند هستند، بلکه بخشی از فرآیند زنا‌ی شهوانی نیز هستند. و شاید به همین دلیل است که او چشم و دست را انتخاب کرده است. سوال این است که آیا این اغراق‌آمیز است؟ البته، شما دقیقاً در جهت مخالف حرکت می‌کنید.

اما بیشتر مردم وقتی این را می‌خوانند، می‌گویند، خب، عیسی اغراق می‌کند. من واقعاً نمی‌دانم او درباره چه چیزی صحبت می‌کند، بنابراین کل ماجرا را نادیده می‌گیرم، درست است؟ و این معمولاً اتفاقی است که می‌افتد. اما افرادی مثل اوریگن در قرن دوم را داریم که این را به معنای واقعی کلمه پذیرفتند و خود را اخته کردند و بعداً توبه کردند.

شرط می‌بندم که این کار را می‌کرد. شاید نمی‌توانست مرتکب زنا شود، اما مطمئناً این نمی‌توانست جلوی شهوت‌رانی‌اش را بگیرد. دن والاس، فکر کنم در دستور زبانش به او اشاره کردم، در مورد یک طلبه حوزه علمیه صحبت می‌کند که چشمش را با پیچ‌گوشتی درآورد.

او نمی‌توانست شهوتش را کنترل کند. و این اصلاً کمکی به حل مشکل نمی‌کرد. شما به عقل سلیم اشاره کردید.

می‌دونی، آگه چشم راستت رو کور کنی، هنوز می‌تونی با چشم چپت شهوت‌ورزی کنی. آگه چشم چپت رو کور کنی، هنوز می‌تونی با ذهنت خیال‌پردازی کنی. می‌دونی، آگه دو تا دستت رو قطع کنی، هنوز می‌تونی با بقیه‌ی اعضای بدننت گناه کنی.

این زبان تندی است که برای رساندن منظور به مخاطب استفاده می‌شود. من از کلمه اغراق خوشم نمی‌آید چون خیلی راحت می‌شود آن را نادیده گرفت. او سعی می‌کند از گفتار دراماتیک و تصویری واضح برای رساندن منظورش استفاده کند.

گناه واقعاً جدی است. و اگر یکی از گرانبهارترین چیزهایی که دارم مرا به گناه بکشاند، باید حاضر باشم از شر آن خلاص شوم. فکر می‌کنم همه ما می‌توانیم در این مورد توافق داشته باشیم.

در واقع، ما جرات نداریم گناه را بی‌اهمیت جلوه دهیم. شاید باید مانند افراد نابینا زندگی کنیم. ایوب ۱: ۳۱، من با چشمانم عهد بسته‌ام، درست است؟ شاید باید مانند کسی زندگی کنیم که فلج است و به هر جایی که دستانش می‌توانند ما را ببرند، نمی‌رود.

منظورم این است که او یک جور شاعرانه می‌گوید که ما واقعاً باید این چیزها را خیلی خیلی جدی بگیریم. مارک، من شیفته‌ی چیزی که گفتم شدم، اما واقعاً فقط به یک ماهی کفال نیاز دارم. من یک ماهی کفال دارم.

افراد نابینا، شهوت؟ شرط می‌بندم که دارند. من با کسی صحبت نکرده‌ام، اما شرط می‌بندم که فرآیند شهوت، کسی را که شهوت ندارد، رها نمی‌کند. بینایی فیزیکی ندارد.

خب، خب، فکر می‌کردم پاراگراف خیلی ساده‌ای باشه. حالا، می‌رسیم به بخش سخت. حالا، می‌رسیم به بخش سخت.

و من اینجا نشست‌ام و سعی می‌کنم به یاد بیاورم که چرا متن طلاق، ۳۱ و ۳۲، را به عنوان ضمیمه بحث قبلی در مورد شهوت فهرست کردم. چون خب، فرق دارد. گفته شده است که هر کسی که زنی را طلاق می‌دهد باید به او گواهی طلاق بدهد.

اما به شما می‌گویم، پس تا حدودی همان الگو است. فقط یادم نمی‌آید چه استدلالی برای ضمیمه کردن این موضوع وجود داشته باشد. اما به هر حال، به شما می‌گویم هر کسی که همسرش را به جز به دلیل فساد او را قربانی زنا می‌کند NIV جنسی طلاق دهد، و سپس ترجمه

او را به ارتکاب زنا وادار می‌کند. تفاوت را می‌شنوید؟ یکی با زن مانند یک قربانی رفتار می‌کند، دیگری ESV چندان مهربان نیست. او را قربانی زنا می‌کند، و هر کسی که با یک زن مطلقه ازدواج کند، مرتکب زنا می‌شود

یکی از دردناک‌ترین تماس‌های تلفنی که در گوردون-کانول داشتم، نزدیک به پایان دوران حضورم در آنجا بود. در دفترم نشسته بودم و سرم به کار خودم گرم بود که تماسی دریافت کردم. معمولاً از بیرون تماسی دریافت نمی‌کردم، بنابراین نمی‌دانستم این شخص کیست. او واقعاً می‌خواست با من صحبت کند و این اتفاقی بود که افتاده بود

او ازدواج کرده بود. یادم نیست که در آن زمان مسیحی بود یا نه. او مرتکب زنا شده بود، طلاق گرفته بود و دوباره ازدواج کرده بود

بزرگان کلیسای دیگر به او می‌گفتند که او در حال زنا زندگی می‌کند و به جهنم خواهد رفت، و او مجبور بود از شوهر دومش طلاق بگیرد چون واقعاً با او ازدواج نکرده بود، چون هنوز با شوهر اولش ازدواج کرده بود و بعد مجبور شد برگردد و سعی کند آشتی کند. و بزرگان کلیسا گفته بودند، اگر از شوهر دومت طلاق نگیری، به جهنم خواهی رفت

و او فقط می‌خواست بداند که آیا این درست است یا نه. حدس من این است که همه ما داستان‌های ترسناکی در مورد افرادی که دوام ازدواج را می‌پذیرند و آن را نادیده می‌گیرند، شنیده‌ایم. و ما افرادی را می‌شناسیم که... منظورم این است که احتمالاً طیف بسیار بسیار گسترده‌ای از تجربیات را داریم، اینطور نیست؟ همه ما

این موضوع خیلی خیلی دردناکه. و همونطور که بهتون گفتم، فکر کنم به هفته دیگه از شنبه می‌گذره، قراره به عنوان مرجع کتاب مقدس در پایان به کنفرانس زنان که به این موضوع می‌پردازه، شرکت کنم. پس باید عجله کنم و در مورد چند چیز تصمیم بگیرم

اما اینها ۲۵۰ رهبر زن خواهند بود و اکثر آنها به نحوی مورد سوءاستفاده جنسی جدی قرار گرفته‌اند. و آنها می‌خواهند بدانند که آیا مطلقه شده‌اند یا دوباره ازدواج کرده‌اند. در واقع، من قبلاً به نوعی هشدار داده شده‌ام که آنها به دنبال هر دلیلی برای خروج از ازدواج هستند

و بنابراین، به من هشدار داده شده است که مراقب باشم، کلمات را با دقت انتخاب کن. بنابراین، این یک موضوع بسیار دشوار است. شاید به همین دلیل است که من یک ضمیمه درست کرده‌ام، تا راحت‌تر بتوانم از آن گذشت

بسیار خوب، اجازه دهید چند نکته را بررسی کنم و سپس آنها را با هم در میان خواهیم گذاشت. و حدس می‌زنم ربط بحث قبلی این است که آیا شهوت، فرمان و در نتیجه پیمان ازدواج را نقض می‌کند؟ بنابراین، اگر اینطور باشد، اگر آنها یکسان هستند یا هر طور که می‌خواهید بگویید، اگر هر یک از ما در این اتاق کت ماریون، به زن دیگری شهوت رانده باشد، آیا همسران ما از نظر کتاب مقدس می‌توانند از ما طلاق بگیرند؟ باید این موضوع را واقعاً شخصی کنیم. صفت توصیفی شماره یک، یک جمله بسیار مختصر است

و شما نمی‌توانید آموزه‌های خود در مورد ازدواج، طلاق و ازدواج مجدد را از این متن استخراج کنید. مطمئناً این بخشی از آن است. اما کتاب مقدس چیزهای بیشتری برای گفتن دارد.

و در مورد این موضوع خاص، ما واقعاً باید آگاه باشیم. متن مشابه در متی ۱۹؟ یا هست؟ نه، این متن مرقس است. در مرقس، متن مشابه این است که هر کسی که همسرش را طلاق دهد، او را قربانی زنا می‌کند.

هیچ دلیل جنسی و مشروعی برای طلاق وجود ندارد. و اگر به آن نگاه کنید، اگر تنها آیه همین باشد، استدلال پیمان یک تن پابرجا می‌ماند. اینکه هیچ دلیل مشروعی برای طلاق وجود ندارد.

این چیه؟ چی؟ باید می‌نوشتیم. مرقس ۱۰:۱۱، ممنون. اما اینجا به استثنا داری.

و من داشتم تفاسیر را می‌خواندم، و احتمالاً یک موضع کاملاً استاندارد وجود دارد که یهودیان، بر اساس تثنیه، می‌دانستند که خیانت جنسی پیمان ازدواج را نقض می‌کند و دلیل موجهی برای طلاق است. و بنابراین، مرقس چیزی را اضافه کرد که مطمئناً قصد عیسی بوده است. من گفتم متی چیزی را اضافه می‌کند. که مطمئناً قصد عیسی بوده است.

مشکل این است که شما اول قرن‌تین ۷ را دریافت می‌کنید. در اول قرن‌تین ۷، اگر شریک غیرایماندار شما نخواهد با شما زندگی کند، شما ملزم به زندگی نیستید. در کتاب دیوید اینستون پروتر در مورد ازدواج و طلاق، او استدلال بسیار محکمی ارائه می‌دهد که «محدودیت «یک زبان رومی قانونی برای طلاق مشروع با امکان ازدواج مجدد است. این یک اصطلاح لاتین قانونی است یا ترجمه یک اصطلاح لاتین قانونی است.

و خوب، به مورد دوم هم هست. و این روشیه که طبق قانون روم طلاق می‌گرفتید. شما همین الان رفتید.

در روم، ترک همسر به معنای طلاق بود. و بنابراین، اکثر مردم احساس می‌کنند که یک دلیل دوم مجاز. کتاب مقدسی برای طلاق وجود دارد که جنسی نیست. بنابراین، منظور من هم همین است.

ما باید هنگام طرح الهیات از هر نکته‌ای، به خصوص این مورد، مراقب باشیم. همچنین می‌خواهم به طور خلاصه اضافه کنم که وقتی برای موعظه این مورد آمدم، موعظه سختی برایم بود. در واقع، فکر می‌کنم از آن صرف نظر کردم و دوباره به آن پرداختم.

چند هفته دیگر به خودم فرصت دادم تا بخوانم. و فکر نمی‌کنم در این مورد، موضعی وجود داشته باشد که بتواند تمام آیات کتاب مقدس را به طور کامل توضیح دهد. چه چیزی پیمان ازدواج را نقض کند، فقط خیانت جنسی آن را می‌شکند و هر موضعی که باشد، همه مشکلات وجود دارد.

است NIV من آن زمان دیوید را خیلی خوب نمی‌شناختم، اما حالا می‌شناسم. او یکی از مترجمان

، اما در آن زمان، من با او تماس گرفتم و با او صحبت کردم. و گفتم که او این موضع را دارد. من گفتم، بله. در مورد این آیه چطور؟ و او گفت، من نمی‌دانم.

دیوید، تو یک کتاب کامل در این مورد نوشتی. من نمی‌توانم همه آیات را کنار هم بگذارم. این مسئله چقدر پیچیده است.

بنابراین، این مستلزم فروتنی است. اینکه هر موضعی که داشته باشیم، آیه‌ای وجود خواهد داشت، استدلالی مشروع وجود خواهد داشت که کمی فروتنی را به خانه می‌آورد. بنابراین، این چیزی است که باید در مورد آن مراقب باشیم.

بله، من فکر می‌کنم کاملاً حیاتی است که یک کلیسا یک بیانیه موضع‌گیری تهیه کند. چون منظور از بیانیه موضع‌گیری این نیست که خداوند چنین می‌گوید. یک بیانیه موضع‌گیری می‌گوید که در اینجا مجموعه‌ای از آیات وجود دارد و بزرگان و کارکنان کلیسا بارها و بارها کار کرده‌اند.

این بهترین درک ما از آن است. این دستورالعمل‌هایی است که ما بر اساس آنها حکومت خواهیم کرد. به طور خاص، وقتی صحبت از این می‌شود که آیا یک سالمند در گذشته طلاق گرفته است یا خیر، این یک مسئله بسیار مهم است.

بله، این یک بیانیه موضع‌گیری فوق‌العاده است که اگر الان انجامش ندهید، باید یک وقتی انجامش دهید. شما به راهنمایی نیاز دارید. وقتی ما بیانیه موضع‌گیری خود را در مورد شرایط لازم برای بزرگان کلیسا تهیه کردیم، اولین تجربه واقعاً دردناک در کلیسای ما بود.

ما کلیساها را ادغام کردیم، که به جورایی بحاله. جاهای دیگه، داره از هم جدا میشه. ما فکر کردیم کلیساها رو ادغام کنیم.

و خب، این شیخ دیگر از کلیسای دیگر آمده بود، و من او را خیلی خوب نمی‌شناختم، اما واقعاً، واقعاً از او خوشم می‌آمد. و فقط از نظر شخصیتی. و ما مدت زیادی را صرف بررسی وضعیت شیخ خود کردیم.

و ما به طور خاص به این موضوع، یعنی ورسانتیت، پرداختیم. بچه‌های آنها باید مؤمن باشند یا مؤمن؟ می‌دانید، کل آن بحث. یادم نیست کجاست. و ما از همه آنها گذشتیم.

سپس، زمان آن فرا رسید که در این دوره، گروه بعدی بزرگان کلیسا را معرفی کنیم. خب، چیزی که نمی‌دانستم این بود که دوستم چهار فرزند داشت که هیچ‌کدام از آنها با خداوند همراه نبودند. و من رفتم. اوه.

و او به این واقعیت اعتراض داشت که کسی گفته بود، فکر نمی‌کنم بتوانی دوباره به هیئت مدیره برگردی. و من گفتم، فکر می‌کنی چرا ما این گزارش موضع‌گیری را تهیه کردیم؟ و او گفت، من فقط فکر می‌کردم که این کار برای خوب جلوه دادن است. فکر نمی‌کردم که واقعاً قرار باشد آن را دنبال کنیم.

اوه، و دردناک بود چون من او را خیلی دوست داشتم. و می‌شد فهمید، می‌دانید، شما یک کلیسا را ادغام می‌کنید، و همه این افراد جدید را وارد می‌کنید، و ناگهان، همه چیز شروع به تغییر می‌کند. آنها کمی متفاوت هستند.

ناگهان، او متوجه شد که آنها واقعاً قرار است از کتاب مقدس پیروی کنند. من واقعاً از این موضوع معذب بودم و واقعاً دردناک بود.

خب، بله، یک مقاله‌ی موضع‌گیری بنویسید. فرض نکنید که همه می‌دانند که این سند تعیین‌کننده است که افرادی باشند که فرض کنند شما... این فقط برای خوب جلوه دادن شماست. اما به هر حال، متن یک بیانیه‌ی مختصر است.

خیلی مهم. دوم اینکه، باید زبان رو بفهمی. و اینم بدون، من هنوز در مورد بعضی از این چیزا تصمیم قطعی نگرفتم.

بنابراین، من این را نمی‌گویم که منظورم را به کرسی بنشانم. شما باید زبان طلاق را اینجا بفهمید، مانند تمام زبان‌های دیگر در خطبه بالای کوه. این یک مسئله حیاتی است. و من به یاد دارم که با یکی از بزرگانم وارد بحث شدم، و او کاملاً یک بحث یک‌جانبه بود و هیچ دلیل موجهی برای طلاق نداشت.

و او گفت، خب، کتاب مقدس می‌گوید، و او این را می‌خواند. و من رفتم، گفتم، دو دستت را به من نشان بده. گفتم، چطور ممکن است در این سن و سال باشی و دو دست داشته باشی؟ چرا آنها بریده نشده‌اند؟ کتاب مقدس می‌گوید آنها را قطع کنید.

اوه، این یه استعاره‌ست. اوه، واقعا؟ من اینو نگفتم. چقدر راحت

این استعاره است، اما این استعاره نیست. کدام استعاره است؟ لطفاً می‌توانیم منسجم باشیم؟ به دلایل زیادی استدلال نسبتاً قوی‌ای بود. به هر حال، ما باید زبان طلاق را به همین شکل بفهمیم.

با این حال، شما می‌خواهید همه زبان‌های دیگر را بفهمید، چه شهوت و زنا باشد، چه چشم و دست یا کامل بودن یا هر چیز دیگری. چگونه می‌خواهید این زبان را بفهمید؟ به عبارت دیگر، آیا عیسی نگران مطرح کردن هر استثنای ممکن نیست زیرا می‌خواهد این نکته را به خوبی بیان کند که خدا قصد دارد ازدواج دائمی باشد؟ و او به سادگی گفت، با، باشه، من فساد جنسی را اضافه می‌کنم، اما با همه این چیزهای بی‌معنی مزاحم من نشوید.

باید نکته‌ای را روشن کنم. من دارم از فرهنگ فریسی صحبت می‌کنم که به طرز چشمگیری مبتنی بر طلاق است. آیا همه شما آن بخش از کتاب «نزاع‌ها» را خوانده‌اید؟ منظور این بود که اگر به آن نرسیده‌اید، حتماً آن را بخوانید.

او دو صفحه دیگر ادامه می‌دهد، رساله می‌شنا در مورد طلاق را بررسی می‌کند و تمام دلایلی را که فریسیان طلاق را مجاز می‌دانستند، بیان می‌کند. و منظورم این است که وقتی این را خواندم، احساس بدی داشتم انگار شما قوم برگزیده خدا هستید که توسط او آفریده شده‌اید تا کاهن جهان باشید، تا خدا را با جهان به اشتراک بگذارید.

و شما اینجا نشسته‌اید و دارید تصمیم می‌گیرید. او کپک زده و از اینجا رفته است. او انگشتان پام را سوزاند. و از اینجا رفته است. او خیلی زیبا نیست و از اینجا رفته است.

من از این خوشم می‌آید، دماغش کچه. خب، وقتی باهاش ازدواج کردی دماغش کج بود؟ می‌دونی، دماغ کج. منظورم اینه که، از فرهنگ ما بدتره.

فکر می‌کنم وقتی این را می‌خوانید، نمی‌توانیم با یک بخش از خطبه به یک شکل و با بخش دیگر آن به شکل دیگری برخورد کنیم. به نظرم خیلی مهم است که منسجم باشیم. آیا واقعاً آماده‌ایم افراد خشمگین را به مجازات اعدام محکوم کنیم؟ بسیار خب، نکته بعدی که می‌خواستم بگویم این است که اجازه دهید یک لحظه یادداشت‌هایم را بررسی کنم.

خیلی خب، می‌تونی منو از این صفحه عبور بدی و بعدش یه کم استراحت می‌کنیم و تو می‌تونی حرف بزنی شرط استثنا، هر کسی که زنش رو طلاق بده، به جز به خاطر بی‌پندوباری جنسی. وقتی داشتم برای کلاس آماده می‌شدم، چیزهای جالبی یاد گرفتم، و این یکی از اونا بود.

باز هم، من فقط حدود یک هفته است که به این موضوع فکر می‌کنم، اما ذهنم تقریباً به همین سمت می‌رود. تئیه می‌گوید اگر می‌خواهید طلاق بگیرید، این به دلیل سنگدلی است؛ اگر می‌خواهید طلاق بگیرید باید به دلیل بی‌حیایی باشد، چیزی که کم است، و باید گواهی بدهید. به عبارت دیگر، باید دلیلی وجود داشته باشد، شما نمی‌توانید از ازدواج خود صرف نظر کنید.

و این گواهی برای محافظت از زن بود، زیرا اگر مردی می‌توانست به هر دلیلی زنی را طلاق دهد، مردم از خود می‌پرسیدند که آیا او مرتکب زنا شده است؟ دلیل طلاق چه بوده است؟ و این گواهی برای تضمین آبروی زن بود، اینکه او زناکار نبوده است، خب؟ این همان چیزی است که در مورد گواهی صدق می‌کند بنابراین باید دلیلی وجود داشته باشد، و باید به وضوح بیان شود تا از زن محافظت شود. نکته جالب این است که زبان عبری کلمه‌ای برای زنا دارد، و این چیزی است که من یاد گرفتم، و باز هم، هنوز در حال بررسی آن هستم.

زبان عبری کلمه‌ای برای زنا دارد، اما موسی از آن استفاده نکرد. او می‌توانست بگوید، به دلیل سنگدلی تو، در صورت زنا اجازه طلاق خواهی داد؛ به او گواهی طلاق بده. او این را نگفت.

او گفت، اگر بی‌حیایی وجود دارد، به او گواهی بدهید. و چیزی که من در موردش کنجکاوم این است که، آیا این کار را می‌کند، و باید به شما بگویم، من واقعاً محافظه‌کار هستم. بنابراین هر وقت کاری انجام می‌دهم که به عنوان لیبرال تلقی می‌شود، تمام کنترل‌ها در من شروع به پرواز می‌کنند، با احتیاط، احتیاط، احتیاط.

اما من تعجب می‌کنم که چرا موسی به جای زنا گفت فحشا، مگر اینکه موسی نمی‌دانست که این چیزی بیش از زنا است، که فحشا چیزی بیش از زنا است؟ من هنوز نمی‌خواهم بگویم که به این موضوع اعتقاد دارم اما دارم به آنجا می‌روم. و بخشی از دلیل اینکه به آنجا می‌روم ترجمه کلمه یونانی است. کلمه یونانی از *porneia* استفاده می‌کند *porneia* استفاده می‌کند، یونانی از *porneia*.

یونانی کلمه‌ای برای زنا دارد. عیسی از آن استفاده نکرد. او از گسترده‌ترین اصطلاح برای خیانت جنسی استفاده کرد.

نمی‌دانم، و بررسی‌اش هم نکردم. نمی‌دانم. در نهایت، بله.

خوبه که من مازورتیک رو دنبال می‌کنم. اما می‌تونید بررسی کنید. من همیشه استدلال کرده‌ام که پورنوگرافی فقط زنا نیست.

این معنی کلمه نیست. این خیانت جنسی است. این رفتار جنسی خارج از محدوده مشروع ازدواج است.

حالا یک کلمه عبری دارم که همین کار را انجام می‌دهد. جالب است. فقط می‌توانم بگویم که جالب است.

چون به نظر من، این بند استثنا، بدیهی است که شامل زنا می‌شود. فحشا را پوشش می‌دهد. به نظر من همجنس‌گرایی را هم پوشش می‌دهد.

منظورم این است که چند دختر از شوهرانشان جدا می‌شوند که بعد معلوم می‌شود همجنسگرا هستند؟ خب، این رابطه جنسی با مرد دیگری است. اما این رابطه جنسی خارج از محدوده ازدواج است. این باعث فروپاشی آن می‌شود.

رابطه جنسی با حیوانات این قانون را نقض می‌کند. رابطه جنسی با حیوانات. بنابراین، نمونه‌هایی از همه این نوع گناهان وجود دارد که به عنوان پورنوگرافی طبقه‌بندی می‌شوند.

و بنابراین، سوال من این است که من منظور عیسی را می‌دانم، و این کاری است که باید در کنفرانس چند هفته‌ی آینده انجام دهم. منظور عیسی این است که مثلاً متأهل بمانید. این روش پولس است، درست است؟ در اول قرن‌تین ۷: متأهل بمانید.

قرار نبود این [رابطه] قطع شود. خب، نکته همین است. خب، بله، موقعیت‌هایی وجود دارد که پیمان ازدواج نقض می‌شود.

و از نظر خدا، چه طلاق گرفته باشید چه نه، اهمیتی ندارد. خدا به کاغذ پاره‌های ما اهمیتی نمی‌دهد. اما از نظر او، برخی اعمال، پیمان ازدواج را نقض می‌کنند.

و سوال این روزها، در تمام کلیساهای ما، این است که این موضوع تا چه حد گسترده خواهد شد؟ و اینجاست که کار واقعاً و واقعاً سخت می‌شود. چون وقتی کل موضوع سوءاستفاده را مطرح می‌کنیم. اگر سوءاستفاده جنسی نباشد چه؟ اگر سوءاستفاده کلامی باشد چه؟ اگر شوهر فقط به صورت کلامی زن را کتک بزند و بزند و بزند چه؟ همسر مت در یک پناهگاه زنان مورد آزار و اذیت کار می‌کند.

ما روز یکشنبه بحث خیلی خوبی داشتیم و او می‌گفت این مردانی که اینقدر با همسرانشان بدرفتاری می‌کنند کیفیت خلقت خدا را پایین می‌آورند. خدا چیزی دوست‌داشتنی و شگفت‌انگیز آفریده است و آنها دارند آن را نابود می‌کنند و از هم می‌پاشند. و از نظر تاملی، این نقض پیمان ازدواج است.

می‌دونی، یکی از سوال‌های جالب دیگه اینه که ازدواج چیه؟ تا حالا بهش فکر کردی؟ ازدواج چیه؟ چی باعث ازدواج می‌شه؟ گوردون هوگنبرگر کتابی جامع و کامل در این مورد نوشته است. و نکته اصلی او... چطور گفتی، مت؟ تو بهتر از من گفتی. اینکه... باشه.

خب، پس... خب، این عهد و پیمان است، و بعد با علامت سوگند، که همان رابطه جنسی است، مهر و موم می‌شود. و یکی از دوستان من رئیس دانشکده است، و اعضای هیئت علمی‌اش آن را خواندند، و آنها تمام مدت در مورد آن بحث کردند. یکی از استدلال‌ها این است که هیچ ممنوعیت صریحی علیه رابطه جنسی قبل از ازدواج در کتاب مقدس وجود ندارد.

متوجه این شدی؟ آره، اون چیه؟ به هر حال، استدلال هوگنبرگر اینه که به طور صریح به این موضوع پرداخته نشده چون چیزی به اسم رابطه جنسی قبل از ازدواج وجود نداره. شما رابطه جنسی دارید، یعنی متأهل هستید. خب، من این روش رو روی پسرهای نوجوانم امتحان کردم.

فقط دارم سعی می‌کنم بگم، خب بچه‌ها، من هم یه زمانی نوجوان بودم. باید درک کنید، اگه همه‌تون شوخی کنید، طبق گفته‌ی هوگنبرگر، شما متأهل هستید. دقیقاً نتیجه‌ی عکس چیزی که انتظار داشتیم رو داشت.

یکی از پسرها به دیگری گفت، هی، بیا بریم. بیا فقط از شرش خلاص شیم. ما فقط ازدواج خواهیم کرد.

نه، نه، نه، نکته این نبود. نکته این نبود. جالب اینجاست که چه چیزی ازدواج را می‌سازد، چون تا وقتی ندانید چه چیزی ازدواج را می‌سازد، نمی‌دانید چه چیزی ازدواج را خراب می‌کند.

دیوید اینستون بروئر، در کتاب خود، استدلال می‌کند که بسیاری از آنچه ازدواج را می‌سازد از بخشی در کتاب خروج سرچشمه می‌گیرد، جایی که عهد و پیمان برای تأمین، عشق، مراقبت و گرامی داشتن همسر است. وقتی مردی از عشق ورزیدن، مراقبت و تأمین همسر خود دست می‌کشد، پیمان ازدواج را نقض کرده است و از این رو، طلاق مشروع است. این موضع دیوید است.

بنابراین، سوال این است که ما تا چه حد می‌توانیم پورنوگرافی را گسترش دهیم؟ تا چه حد می‌توانیم به بی‌حیایی دامن بزنیم؟ این کلمه دقیقاً همین معنی را می‌دهد. فساد جنسی. او، نه، نه.

به شما می‌گویم، هر کسی که همسرش را طلاق دهد، به جز پورنیا، او را قربانی زنا می‌کند. جالب است. متی فرهنگ یهودی را منعکس می‌کند که در آن زنان نمی‌توانستند از مردان طلاق بگیرند و فقط مردان می‌توانستند زنان را طلاق دهند.

مگر اینکه، البته، ثروتمند باشید. و اگر در هر فرهنگی ثروتمند باشید، می‌توانید هر کاری که می‌خواهید انجام دهید. اما در فرهنگ یهود، مگر اینکه ثروتمند باشید، فقط مرد می‌توانست زن را طلاق دهد.

جالبه. انجیل مرقس برای مخاطب رومی نوشته شده. چیزی که برای غاز خوبه، برای غاز نر هم خوبه.

بنابراین، مرقس در آیات ۱۰:۱۱ و ۱۲ می‌گوید، هر که زن خود را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند، نسبت به او زنا کرده است، زیرا آن زن هنوز در نظر خدا متأهل است. و اگر زن از شوهرش طلاق بگیرد و با دیگری ازدواج کند، مرتکب زنا شده است. بنابراین، مرقس هر دو جنبه را نشان می‌دهد.

بگذارید یک نکته دیگر را هم بگویم، و بعد مکثی می‌کنیم و برمی‌گردیم. در این مرحله، تعالیم عیسی چطور از عدالت کاتبان فراتر می‌رود؟ مطمئن نیستم که از جواب خودم خوشم بیاید. مطمئن نیستم که جوابی داشته باشم، اما موضوع همین است، درست است؟ تعالیم عیسی درباره عدالتی صحبت می‌کند که فراتر می‌رود، عمیق‌تر از عدالت، رفتار عادلانه ظاهری و رفتار عادلانه ظاهری فریسیان است.

بنابراین، به چه معنا عیسی در اینجا چیزی عمیق‌تر، چیزی فراتر از کاتبان و فریسیان را آموزش می‌دهد؟ چهار احتمال. مطمئنم این را شنیده‌اید: دو خاخام مشهور، هیلل و شمای، این را به عنوان یکی از نکات مورد اختلاف خود داشتند. شمای استدلال می‌کرد که عمل منافی عفت فقط زنا است و هیلل استدلال می‌کرد که عمل منافی عفت هر چیزی است.

اگر به هر نحوی او را ناراضی کند، می‌تواند او را رها کند، درست است؟ و در بیشتر موارد، یهودیت با هیلل همراه بود. و بنابراین مطمئناً، عیسی فراتر از درک هیلل است. هیلل می‌گوید، هر چه که باشد، می‌توانید به هر دلیلی که می‌خواهید از شر او خلاص شوید.

عیسی حتی از شمای هم عمیق‌تر می‌گوید که زنا مستلزم، عیسی میگه، نه، نه، نه، نه، نه، نه، درسته دوم اینکه، طلاق نیست. بلکه آن را مجاز می‌داند. بسیاری از خاخام‌ها استدلال می‌کردند که اگر زنا وجود داشته باشد، باید از همسر خود طلاق بگیرد.

و عیسی می‌گوید: «نه، نه، نه. این نیت اولیه‌ی ازدواج به عنوان یک پیوند دائمی را نقض می‌کند. شاید آن را مجاز کند، اما آن را ضروری نمی‌کند.» مطمئنم که همه‌ی شما داستان‌هایی از این دست دارید، اما ما دوستان خوبی داریم.

مرد کشیش بود، رابطه نامشروع داشت و همسرش با او ماند. و او بعد از اینکه به رابطه نامشروعش اعتراف کرد، نه بارها، اما حداقل یک بار، به رابطه نامشروع ادامه داد. و همسرش هیچ کاری در این مورد نکرد.

او گفت من نمی‌خواهم تو همین‌طوری که هستی برگردی. من همین الان می‌خواهم برگردی. من یک شوهر جدید می‌خواهم.

می‌خواهم این روند را طی کنی. و اگر من فقط مداخله کنم و تو را تهدید به طلاق کنم، اوضاع تو بهتر نخواهد شد. و بعد از چهار سال، این یک ازدواج فوق‌العاده است.

زن و شوهر، هر دو، به شکلی بی‌سابقه با هم رشد کرده‌اند. آنها از نظر معنوی به شکلی بی‌سابقه رشد کرده‌اند. دیدن این دو نفر در کنار هم واقعاً لذت‌بخش است.

به گفته‌ی خاخام‌ها، این هرگز اتفاق نمی‌افتاد. آنها مجبور به طلاق می‌شدند. بنابراین، آموزه‌های عیسی از این نظر عمیق‌تر است که این کار را مجاز می‌داند، اما آن را اجباری نمی‌کند.

سوم، او تقصیر را به گردن شوهر، از جمله شوهر دوم، می‌اندازد. او می‌گوید اگر همسرت را طلاق بدهی، او را قربانی زنا کرده‌ای. و من فکر می‌کنم این به این معنی است که در آن زمان و عصر، یک زن فقط دو گزینه داشت.

و آن فاحشه شدن یا ازدواج مجدد بود. و در هر صورت، شما خارج از آنچه خدا تعیین کرده است، رابطه جنسی برقرار می‌کنید. و او مرتکب زنا می‌شود.

بنابراین، تقصیر شوهر است که او را مجبور به قرار گرفتن در آن موقعیت کرده است. به همین دلیل است می‌گوید که باید مطمئن شد که قربانی زنا، مرد، در کل این فرآیند مقصر است. و سوم، چهارم، به NIV که نظر من عیسی عدالت بسیار عمیق‌تری دارد زیرا تأکید بر استثنائات نیست.

تأکید بر پایداری است، و او فقط می‌خواهد این نکته را به خوبی روشن کند: طلاق نگیرید.

و این تأکید کاملاً متفاوتی نسبت به چیزی است که آن روز دریافت کردید. و صادقانه بگویم، چیزی که امروز دریافت می‌کنید. من هیچ‌وقت مشاوره ازدواج زیادی انجام ندادم، اما وقتی این کار را کردم، یکی از سوالاتی که همیشه می‌پرسیدم این بود که آیا در مقطعی از زندگی‌تان فکر می‌کنید که اگر این رابطه به نتیجه نرسد، می‌توانیم طلاق بگیریم، درست است؟ این سوال خیلی خوبی است که از یک زوج بپرسید.

اگر حتی ذره‌ای این موضوع را سرگرم‌کننده بدانند، من هرگز مراسم عروسی را اجرا نمی‌کنم. به نظر من شما باید به نقطه‌ای برسید که آنقدر به این ازدواج متعهد باشید که حتی در شرایط سخت هم دوام بیاورید. آیا حاضرید این تعهد را بپذیرید؟ چون اگر الان دارید از طلاق استقبال می‌کنید، طلاق خواهید گرفت.

حتماً. من به بچه‌ها می‌گویم که ازدواج به ماجرای مزخرفه. واقعاً همین‌طور، مگه نه؟ منظورم اینه که وقتی من و رابین ازدواج کردیم، خیلی خوب بود.

از اینکه به او بگویند دختر بزرگ - این اصطلاح پدرم است - متنفر است، اما او یک خانم فوق‌العاده است.

و، اما چه کسی می‌داند؟ ممکن است انواع و اقسام اختلالات بیمارگونه در رابین وجود داشته باشد که من نمی‌توانستم ببینم. مخصوصاً از زمان اولین قرارمان تا عروسی‌مان کمتر از شش ماه فاصله بوده است. و همه اینها از راه دور بوده است.

ما خوش شانس بودیم. خدا همین الان این را در قلب ما گذاشت. شما دو نفر با هم هستید

. فقط، فقط ازدواج کن. کم کم خودت متوجه می‌شی. من استاد دانشگاه بودم و از این جور حرفا

ممکن بود من یک آدم مریض باشم. هیچ راهی برای فهمیدنش وجود ندارد. ازدواج یک ماجرای مزخرف است.

من دوستی دارم که با یک کشیش و دانشگاهی واقعاً در حال پیشرفت، یک فرد بسیار بسیار سرشناس، و کاملاً معتاد به پورن ازدواج کرد. ازدواج به تازگی از هم پاشیده است. خب، ازدواج تا حد زیادی، اینطور نیست؟ نظر شما در مورد آن چیست؟

شما می‌خواهید شروع خوبی داشته باشید، اما یک شروع خوب تضمین نمی‌کند که آن شروع پایدار بماند. شما به تعهد نیاز دارید.

بنابراین، عیسی تأکید می‌کند: «این قرار است تا ابد ادامه یابد.» می‌دانم که عیسی گفته است در بهشت ازدواجی وجود ندارد، اما برایم مهم نیست. من تا ابد با رابین ازدواج خواهم کرد.

من او را در بهشت ترک نمی‌کنم. چه فایده‌ای دارد؟ نمی‌خواهم او را ترک کنم. ما قرار است ده هزار سال آینده را با هم در جهان بگردیم.

این تأکیدی است که عیسی داشت. و این قطعاً آموزه‌های او را متمایز و متفاوت می‌کرد.